

# بررسی موانع و مشکلات کشورهای عضو سکا در ایجاد و ارتقای مراحل یکپارچگی اقتصادی

یوسف حسن پور

عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

[yh88790214@yahoo.com](mailto:yh88790214@yahoo.com)

## مقدمه

در ادبیات تجارت بین‌المللی، آثار یکپارچگی اقتصادی مجموعه کشورهای واقع در یک منطقه را می‌توان وابستگی متقابل اقتصادی کشورها از طریق گستردگی حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان آزاد سرمایه و نیروی کار و همچنین دسترسی سهل‌تر به فن‌آوری دانست. یکی از نمونه‌های بارز و پیشرفته یکپارچگی اقتصادی، مربوط به کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. از مشخصه‌های اصلی آن: ادغام وسیع و عمیق اقتصادهای ملی کشورهای عضو از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم و جریان‌های دیگر سرمایه و افزایش مناسب و سیال شدن بازارهای سرمایه بین‌المللی کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشد [۱].

طی دهه ۶۰ میلادی، تغییرات سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی باعث شد تا بسیاری از این کشورها جایگاه خود را در جغرافیای اقتصادی و سیاسی مورد بازنگری قرار دهند. نتیجه مذکور به تلاش جمعی کشورها در ایجاد سازمان‌ها، تشکل‌های

## چکیده

در کشورهای عضو سکا علی‌رغم گذشت چندین دهه از فعالیت آن، هنوز هیچ یک از مراحل یکپارچگی اقتصادی به مرحله اجرا در نیامده است. مقاله حاضر با هدف ارزیابی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (سکا) از منظر فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی نوشته شده است. این مطالعه با استفاده از یکسری شاخص‌های اقتصادی و استفاده از حجم وسیعی از اطلاعات تجاری در طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که شکاف عمیقی فی‌مابین کشورهای عضو سکا از حیث فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی وجود دارد. به نظر می‌رسد فراهم شدن فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی فی‌مابین کشورهای عضو سکا نیازمند مدیریت اقتصادی و سیاست‌گذاری کارآمد از طرف کشورهای عضو جهت بهبود فضای یکپارچگی اقتصادی می‌باشند. مضافاً اینکه از حیث امکان یکپارچگی فاقد تنوع صادراتی جهت رشد و پیشرفت جهت پیشبرد تعاملات بازرگانی و اقتصادی فی‌مابین می‌باشند.

سیاسی و اقتصادی از جمله تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی منجر گردید. سازمان کنفرانس اسلامی یکی از بزرگ‌ترین تشکل‌های سیاسی و اقتصادی بین‌دولتی جهان از لحاظ تعداد اعضا به‌شمار می‌رود. اگرچه هدف اولیه آن سیاسی و ایجاد همبستگی بین کشورهای مسلمان بود ولی به دلیل نقش عوامل اقتصادی و انگیزه‌هایی همچون افزایش تجارت، نیل به منافع رفاهی، افزایش قدرت چانه‌زنی در مسایل سیاسی، اقتصادی و تجاری با کشورها و گروه‌های فرامنطقه‌ای، تأمین ملاحظات امنیتی - سیاسی و انجام همکاری‌ها در زمینه‌های رشد و توسعه و اعتلای سرمایه‌گذاری از جمله عوامل روی آوردن به این گونه همکاری‌ها گردیده است [۲]. هدف‌های عمده این همکاری‌ها را می‌توان در سه جنبه اساسی و مهم زیر مطرح نمود:

- کمک به رشد و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی در جهت نیل به خودکفایی به طرق مختلف و از جمله گسترش تجارت فی‌مابین آنان.
- اتخاذ تدابیر لازم در قبال سیاست‌های تبعیضی از طرف بلوک‌های تجاری و اقتصادی کشورهای صنعتی و تقویت موضع مذاکراتی کشورهای اسلامی با این گروه‌ها.
- کمک به فرآیند تقویت هرچه بیشتر همبستگی سیاسی فی‌مابین کشورهای اسلامی.

برای تحقق این اهداف و پیشبرد توسعه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی فی‌مابین کشورها اقدامات وسیع و پردامنه‌ای در سطح سازمان کنفرانس اسلامی انجام شده و ساز و کارهای سازمانی و بستر حقوقی لازم نیز برای آن در نظر گرفته شده است.

طرح ایجاد یک نظام ترجیحات تجاری میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که در ادبیات مربوط به اقتصاد بین‌الملل به عنوان اولین مرحله یکپارچگی اقتصادی شناخته می‌شود به عنوان یکی از مناسبترین راهکارهایی برای افزایش مبادلات تجاری در میان کشورهای اسلامی توسط کمیته دائمی همکاری‌های اقتصادی و تجاری [۳] (COMCEC) و مرکز اسلامی توسعه و تجارت [۴] (ICDT) در سال ۱۹۸۴ مطرح گردید و متعاقباً در اجلاس ششم کومسک موافقتنامه مزبور در

سال ۱۹۹۰ برای امضا و تصویب قوای مقننه کشورهای عضو OIC به دبیرخانه آن تسلیم گردید [۵]. در حال حاضر ۲۸ کشور از ۵۷ کشور عضو OIC آن را امضا کرده‌اند و هنوز بعد از گذشت چندین دور مذاکراتی به مرحله اجرا درنیامده است و در حال گذراندن فرایند مذاکراتی فی‌مابین کشورهای عضو سکا است. آنچه مسلم است وجود برخی موانع و مشکلات ساختاری مانع از تحقق هر نوع یکپارچگی اقتصادی فی‌مابین کشورهای عضو سکا می‌گردد. در این پژوهش تلاش می‌شود به برخی از عوامل اصلی و مؤثر اشاره و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

سازمان‌دهی مقاله به شرح زیر است:

در بخش اول مقاله به ادبیات موضوع در زمینه منطقه‌گرایی و عوامل و انگیزه‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن هر چند کوتاه اشاره می‌شود. در بخش دوم به بررسی وضعیت موجود تجارت فی‌مابین کشورها بصورت بالفعل و بالقوه اشاره می‌گردد. بخش سوم مقاله به ارائه شاخص‌ها و عوامل کلیدی و مهم کشورهای اسلامی اشاره می‌گردد که به نوعی در تحقق یکپارچگی اقتصادی نقش دارند. تحلیل‌های مذکور در قالب دو مفهوم فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی پرداخته شده است.

## ۱. ادبیات تحقیق

یکپارچگی اقتصادی بنا به تعریف، عبارت از گروه‌هایی از کشورها (صرفنظر از اینکه فقط از یک منطقه جغرافیایی باشند) که با هدف کاهش موانع تجاری بین کشورهای عضو تشکیل می‌شوند. بسته به سطح یکپارچگی آنها، مراحل یکپارچگی اقتصادی را می‌توان به طور گسترده در قالب پنج سطح مختلف تقسیم نمود: موافقت‌نامه تجارت ترجیحی [۶] (PTA)، موافقت‌نامه تجارت آزاد [۷] (FTA)، اتحادیه گمرکی [۸] (CU)، بازار مشترک [۹] و اتحادیه اقتصادی [۱۰].

در چارچوب نظریات اقتصاد بین‌الملل، کشورها برای حضور موفق در یک ترتیبات منطقه‌ای نیازمند به یکسری شرایط و زمینه‌های توسعه همکاری‌های تجاری می‌باشند. در صورتی که چنین شرایط وجود داشته باشد آنگاه امکان اینکه کشورها با آزادسازی تجاری منافع تجاری کسب نمایند و منابع و امکانات

داخلی خود را در جهت تولید بر محور مزیت نسبی بهینه کنند بیشتر خواهد بود.

گروهی از اقتصاددانان به رهبری وناکات و لوتز [۱۱] (۱۹۸۹) و سامرز [۱۲] (۱۹۹۱) بر این عقیده‌اند که موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای احتمالاً بیشتر موجب افزایش رفاه می‌شوند. به اعتقاد آن‌ها اگر کشورهای عضو از نظر جغرافیایی به هم نزدیک باشند و از وابستگی تجاری بسیار زیاد به یکدیگر برخوردار باشند (شرکای تجاری طبیعی) [۱۳]، در این صورت خطر انحراف تجارت به حداقل می‌رسد. کروگمن [۱۴] (۱۹۹۱) با بیان عقاید مشابه بر این باور است که سودمندی یک موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای تا حدودی به فاصله جغرافیایی کشورهای عضو منطقه که مؤثر بر کاهش هزینه‌های حمل و نقل است، بستگی دارد. فرانکل [۱۵] (۱۹۹۷)، فرانکل، استاین، ووی [۱۶] (۱۹۹۵) و فرانکل و وی [۱۷] (۱۹۹۷) نیز نظرات مشابهی ابراز داشته‌اند [۱۸]. لیندر [۱۹] هم از جمله صاحب‌نظرانی است که معتقد بود هم پیوندی اقتصادی بین کشورهایی که دارای سلیقه‌های یکسانی باشند، عامل مهمی در موفقیت و اثر بخشی بهتر هم پیوندی اقتصادی بین اعضا است. به عقیده ایشان تجارت بین کشورها از طریق افزایش در تفاوت عرضه افزایش نمی‌یابد، بلکه تحت تأثیر تشابه در تقاضا انجام می‌شود. البته اقتصاددانانی نظیر کراویس [۲۰] معتقد است که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر جریان کالا بین کشورهای عضو یک منطقه، دسترسی فراوان به منابع تولیدی است نه وجود نسبت‌های غیر مشابه عوامل تولید. از سویی دیگر کیندلبرگر [۲۱]، رشد اقتصادی را مبنای اصلی مبادلات بین‌المللی میان کشورها قلمداد کرده است. در مجموع با در نظر گرفتن نظریات پیش گفته که هر یک به علل و عوامل عمده جریان بین‌المللی کالا اشاره داشته‌اند می‌توان اینطور استنباط نمود که در زمینه وجود هزینه‌های نسبی غیرمشابه در کشورهای عضو یک منطقه مبنای اصلی در کارآمد بودن و سودآور بودن یکپارچگی اقتصادی به حساب می‌آید. هزینه‌های نسبی غیرمشابه ممکن است ناشی از نسبت‌های غیر مشابه عرضه و تقاضای عوامل اصلی یا فرعی تولید و یا ناشی از صرفه‌جویی‌های حاصل از تولید انبوه و یا موقعیت جغرافیایی و

مزیت‌های طبیعی کشورها و در نهایت ممکن است به دلیل ابداعات و تحولات تکنیکی تولید باشد.

با این وجود در اکثر مطالعات مذکور، عوامل محیطی و شرایط کسب و کار و فضای تجاری کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر ایجاد یک یکپارچگی اقتصادی در مقایسه با سایر عوامل که تنها امکان و زمینه‌های یکپارچگی میان کشورهای عضو را نشان می‌دهند کمتر تأکید شده است. به نظر می‌رسد نظریه‌های یکپارچگی اقتصادی همچون اتحادیه گمرکی و بازار مشترک در محیط کشورهای بیشتر توسعه یافته شکل گرفته است که در آن از شرایط و عوامل محیطی و کسب و کار بین‌المللی و منطقه‌ای در وضعیت مناسبی برای آزادی و تحرک کالا و عوامل تولید بوده و لذا نیازی به بررسی فضای یکپارچگی نبوده است و این مقوله توجه لازم را در مطالعات به خود معطوف ننموده است. به همین خاطر نتیجه مستقیم نظریه یکپارچگی اقتصادی، دستاوردهای همکاری تعداد محدودی از ممالک پیشرفته و هم سطح می‌باشد که این کشورها ابتدا در بعضی از جنبه‌ها، آستانه‌های پایه‌ای ایجاد یک همپیوندی اقتصادی را دارا بوده‌اند که این آستانه پایه‌ای را می‌توان تحت عنوان فضای یکپارچگی درون منطقه‌ای تعریف نمود. بنابراین در مطالعات مربوط به کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای اسلامی در کنار توجه به زمینه و امکان یکپارچگی درون منطقه‌ای که شامل تحرک و جابجایی کالا و عوامل تولید میان آن‌ها است (به عنوان یکی از پایه‌های اصلی توسعه یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تر نظیر بازار مشترک اسلامی) به برخی عوامل آستانه‌ای تشکیل مراحل مختلف یکپارچگی اقتصادی نیز باید توجه داشت. فضای یکپارچگی درون منطقه‌ای را می‌توان یک حداقل وضعیت، شرایط محیط اقتصادی و سیاسی کشورها دانست که آن‌ها برای برای ایجاد محیطی مناسب جهت ارتقاء، رشد و توسعه همکاری‌های درون منطقه‌ای به آن نیاز دارند.

## ۲. بررسی وضعیت موجود حجم مبادلات فیما بین

### کشورهای عضو سکا

علیرغم تمامی اقدامات انجام شده در راستای تعاملات اقتصادی و بازرگانی فیما بین کشورهای اسلامی، حجم تجارت

[۲۲] درون گروهی کشورهای عضو سکا در سال ۲۰۰۷، ۱۹۷ میلیارد دلار می‌باشد که ۱۴/۴ درصد از کل مبادلات بازرگانی این دسته از کشورها را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، ۸۵/۶ درصد از کل مبادلات این دسته از کشورها با سایر کشورهای جهان انجام می‌گیرد. نکته قابل توجه این است که ارزش پتانسیل تجارت درون گروهی این دسته از کشورها ۸۵۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که تنها ۱۹۷ میلیارد دلار آن تحقق یافته است. به این ترتیب ۲۳ درصد از کل پتانسیل تجاری درون گروهی این دسته از کشورها حادث شده است. لذا پتانسیل تجاری تحقق نیافته،

بالغ بر ۶۵۸ میلیارد دلار می‌باشد. در صورتی که تنها ۳۰ درصد از پتانسیل مذکور تحقق می‌یافت انتظار می‌رفت در سال ۲۰۰۷، تجارت درون گروهی کشورهای مورد مطالعه بالغ بر ۳۹۴ میلیارد دلار می‌بود که حتی این مقدار هم تحقق نیافته است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود میزان مبادلات بازرگانی و اقتصادی فی‌مابین کشورهای اسلامی با پتانسیل و ظرفیت‌های موجود کشورهای عضو سکا متناسب نیست و به هیچ وجه با آن همخوانی ندارد [۲۳].

### جدول ۱- ارزش مبادلات تجاری بالفعل و بالقوه فی‌مابین کشورهای عضو سکا

(ارقام بر حسب میلیارد دلار)

دوره زمانی	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	
جهان	۷۰۴	۸۴۳	۱۰۶۹	۱۰۲۱	۱۲۰۸	۱۳۷۲	ارزش تجارت بالفعل با
سکا	۶۷	۱۰۰	۱۲۴	۱۴۱	۱۶۰	۱۹۷	
سهم	۹/۵	۱۱/۸	۱۱/۶	۱۳/۸	۱۳/۲	۱۴/۴	
ارزش	۳۲۴	۴۰۶	۵۲۹	۶۰۵	۷۰۴	۸۵۵	پتانسیل تجارت درون گروهی
سهم	۲۰.۵	۲۴.۶	۲۳.۳	۲۳.۲	۲۲.۷	۲۳.۱	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

### ۳. موانع و مشکلات در ایجاد و ارتقای یکپارچگی اقتصادی

در یک بررسی کلی، شرایط لازم و کافی برای ایجاد یکپارچگی اقتصادی موفق میان کشورهای اسلامی را می‌توان نتیجه تعامل دو عامل اصلی دانست که عبارت‌اند از:

- فراهم بودن فضای یکپارچگی اقتصادی میان کشورهای اسلامی به عنوان شرط اولیه.
- امکان یکپارچگی اقتصادی به معنای وجود زمینه‌های تحرک درون منطقه‌ای کالا و خدمات و عوامل تولید میان کشورهای اسلامی به عنوان شرط ثانویه.

در ادامه به بررسی وضعیت کشورهای اسلامی از حیث فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی فی‌مابین پرداخته می‌شود.

### ۴. فضای یکپارچگی اقتصادی

امروزه عوامل محیطی و شرایط کسب و کار و فضای تجاری

کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان متغیرهای تأثیر گذار بر ایجاد یکپارچگی اقتصادی کارآمد میان مجموعه‌ای از کشورها به حساب می‌آید. فضای یکپارچگی اقتصادی را می‌توان یک حداقل وضعیت، شرایط محیط اقتصادی و بازرگانی کشورها دانست که آن‌ها برای ایجاد محیطی مناسب جهت ارتقا، رشد و توسعه همکاری‌ها در درون یک منطقه‌ای به آن نیاز دارند. معیارها و روش‌های مختلفی وجود دارد که بنحو بارزی فضای یکپارچگی اقتصادی فی‌مابین کشورها را آشکار می‌نماید که در قالب شاخص‌های توسعه و تجارت بین‌المللی، درجه آزادی اقتصادی، فضای کسب و کار و فضای اقتصاد کلان نشان داده می‌شود.

#### ۱-۴. فضای توسعه و تجارت بین‌المللی

در مطالعات تجربی دهه اخیر، تلاش‌های فراوانی در زمینه دستیابی به عوامل مؤثر بر فضای توسعه تجارت بین‌المللی

کشورها صورت گرفته و تلاش شده است تا کشورها از این حیث طبقه‌بندی شوند. در این میان می‌توان به عمده‌ترین آن‌ها شامل آنکتاد [۲۴] (۲۰۰۷) اشاره کرد.

سازمان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد) همه ساله به بررسی جایگاه ۱۲۳ کشور جهان در شاخص تجارت و توسعه [۲۵] (TDI) می‌پردازد. این شاخص یک شاخص ترکیبی است که بر اساس ویژگی‌هایی همچون سیاست‌های تجاری یک کشور، سرمایه انسانی، زیرساخت‌ها، ثبات کلان اقتصادی، آزادی تجاری و دسترسی به بازارهای خارجی تعیین می‌شود که میزان توسعه یافتگی هر کشور را در توسعه تجارت بین‌المللی نشان می‌دهد. این شاخص ارقامی از یک تا ۱۰۰۰ را در بر می‌گیرد که هر چه این رقم بیشتر باشد دلالت بر توسعه یافتگی بیشتر و آمادگی بیشتر در توسعه روابط تجاری دارد. ترکیب دو مقوله تجارت و توسعه در قالب یک شاخص واحد به آن دلیل است که ارتباطی مستقیم بین این دو وجود دارد و هر چه توسعه کشوری بیشتر شود حجم روابط تجاری آن کشور بیشتر می‌شود. بر اساس شاخص TDI، رتبه کشورهای اسلامی از نظر شاخص توسعه و تجارت در میان ۱۲۳ کشور بین ۲۷ تا ۱۲۳ متغیر است. در میان ۱۲۳ کشور مورد بررسی، تنها ۵ کشور مالزی (۲۷)، امارات متحده عربی (۳۹)، کویت (۳۹)، بحرین (۴۳) و آلبانی (۴۶) از جایگاه کمتر از ۵۰ ام را به خود اختصاص داده‌اند. شاخص TDI که بیانگر ویژگی‌هایی همچون سیاست‌های تجاری یک کشور، سرمایه انسانی، زیرساخت‌ها، ثبات کلان اقتصادی، آزادی تجاری و دسترسی به بازارهای خارجی می‌باشد نشان دهنده وجود شرایط بازدارنده برای کسب و کار شرکت‌های فعال کشورهای اسلامی در حوزه تجارت بین‌المللی در مقایسه با سایر کشورها می‌باشد [۲۶]. جدول (۲).

در یک بیان ساده و صریح، می‌توان ادعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات فضای یکپارچگی اقتصادی مناسب فیما بین کشورهای اسلامی در گرو فضای توسعه و تجارت بین‌المللی مناسب در آن کشورها است که می‌تواند بر تعامل مناسب و پایدار کشورها تأثیر گذاشته و نحوه تعامل اقتصادی کشورها را مخدوش سازد.

۲-۴. عدم فضای مناسب ایجاد و توسعه کسب و کار  
یکی دیگر از روش‌های تعیین میزان آمادگی کشورها در تعامل مناسب اقتصادی و بازرگانی فیما بین کشورهای اسلامی، برخورداری از فضای کسب و کار مناسب و منطبق با استانداردهای جهانی برای توسعه فعالیت بخش خصوصی است. پروژه بررسی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف که از سال ۲۰۰۴ در دستور کار بانک جهانی قرار گرفته است قوانین و مقررات کشورها را با هدف یافتن گلوگاه‌ها، محدودیت‌ها و موانع فعالیت بخش خصوصی بررسی نموده و بر اساس شاخص‌هایی که تدوین کرده است، به طبقه‌بندی کشورها بر اساس فضای کسب و کار می‌پردازد. شاخص کلی فضای کسب و کار بر پایه ۱۰ شاخص شامل آغاز کسب و کار، کسب مجوز، استخدام نیروی کار، ثبت دارایی‌ها، کسب اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاری، مالیات، تجارت مرزی، اجرای قراردادهای ورشکستگی محاسبه می‌شود. براساس گزارش بانک جهانی [۲۷]، در سال ۲۰۰۹ که ششمین دوره سالانه رتبه‌بندی کشورها از سوی این نهاد به شمار می‌آید، رتبه کشورهای اسلامی در میان ۱۸۱ کشور بر مبنای شاخص کلی وضعیت کسب و کار و از نظر سهولت و مناسب بودن برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، بین ۱۶ تا ۱۷۹ متغیر می‌باشد. در یک بررسی کلی، تنها تعداد ۶ کشور رتبه آن‌ها در میان ۱۸۱ کشور کمتر از ۵۰ام بوده است. این کشورها شامل عربستان سعودی (۱۶)، بحرین (۱۸)، مالزی (۲۰)، آذربایجان (۳۳)، قطر (۳۷) و امارات متحده عربی (۴۶) می‌باشد. در حالیکه رتبه ۳۶ کشور عضو سکا از جمله ایران (۱۴۲) سه رقمی می‌باشد. بررسی رتبه کسب و کار کشورها مبین چالش‌های کشورهای عضو سکا به لحاظ عدم برخورداری از حداقل فضای تعامل مناسب جهت توسعه مبادلات اقتصادی و بازرگانی است. جدول ۲

### ۳-۴. درجه آزادی اقتصادی

همانطوری که می‌دانیم آزادی اقتصاد یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه یافتگی اقتصاد کشورها است. با توجه به اهمیت آزادی اقتصادی، رتبه‌بندی کشورها بر اساس آن از سال ۱۹۹۵

توسط محافظه کاران ایالات متحده، با همراهی وال استریت ژورنال، توسط موسسه هریتیج [۲۸] و براساس شاخص‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست محاسبه می‌شود و در آن کشوری که شاخص آزادی آن به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد دارای اقتصاد آزادتر محسوب می‌شود. گزارش آزادی اقتصادی نشان می‌دهد هرچه اقتصادها بازتر باشند از تولید ناخالص داخلی سرانه بالاتری نیز برخوردارند. شاخص آزادی اقتصادی از ترکیب ۱۰ شاخص آزادی کسب و کار، آزادی تجاری، آزادی مالیاتی، حجم (استقلال) دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی تأمین مالی، برخورداری از حقوق مالکیت، دوری از فساد (اقتصادی) و آزادی نیروی کار تشکیل می‌شود. طبیعی است که هر اندازه اقتصاد یک کشور آزادتر باشد، آن اقتصاد دارای فضای تعامل مساعدتر اقتصادی و بازرگانی با سایر کشورها می‌باشد. آزادی اقتصادی به مفهوم نزدیکی به اقتصاد بازار و کاهش مداخله دولت در فعالیت‌های تولید، توزیع و مصرف می‌باشد. بر طبق گزارش ارائه شده توسط بنیاد هریتیج

کشورهایی که رتبه آزادی اقتصادی در آن‌ها بین هفت تا یک است دارای آزادترین اقتصادهای دنیا هستند. کشورهایی که رتبه آن‌ها بین ۳۰ تا ۸ قرار دارد شاهد غالب بودن آزادی در بیشتر بخش‌های اقتصاد خود هستند. کشورهایی که رتبه بین ۸۳ تا ۲۹ دارند آزادی اقتصادی متوسطی دارند، کشورهایی که رتبه آزادی اقتصادی آن‌ها بین ۱۵۰ تا ۸۲ است تقریباً غیرآزاد هستند و رتبه‌های کمتر از ۱۵۱ در این مطالعه در زمره اقتصادهای کاملاً غیرآزاد قرار گرفته است. بر اساس مشاهدات جدول (۲)، ۷۳ درصد از کشورهای عضو سکا (شامل تعداد ۳۷ کشور) نسبت به سایر اقتصادهای جهان یکی از بسته‌ترین و غیررقابتی‌ترین اقتصادها به شمار می‌روند که رتبه «آزادی اقتصادی» آن‌ها را در وضع نامناسبی قرار داده است. در این میان رتبه ایران از لحاظ آزادی اقتصادی رتبه ۱۶۸ را دارا می‌باشد. ۱۳ کشور دیگر از کشورهای عضو سکا از لحاظ شاخص آزادی اقتصادی در سطح متوسط و فقط برای یک کشور (بحرین) شاهد غالب بودن آزادی در بیشتر بخش‌های اقتصاد خود است.

## جدول ۲- وضعیت کشورهای منطقه در زمینه فضای یکپارچگی اقتصادی

کشورهای منطقه	فضای تجارت بین‌المللی*	آزادی اقتصادی**	فضای کسب و کار***	کشورهای منطقه	فضای تجارت بین‌المللی	آزادی اقتصادی	فضای کسب و کار
بحرین	۴۳	۱۶	۱۸	ساحل عاج	۱۰۷	۱۱۹	۱۶۱
عمان	۷۳	۴۳	۵۷	تاجیکستان	-	۱۲۲	۱۵۹
قطر	-	۴۸	۳۷	سورینام	-	۱۲۵	۱۴۶
کویت	۳۹	۵۰	۵۲	موریتانی	-	۱۲۷	۱۶۰
اردن	۶۰	۵۱	۱۰۱	نیجریه	۱۲۰	۱۲۸	۱۷۲
امارات متحده عربی	۳۹	۵۴	۴۶	اندونزی	۶۶	۱۳۱	۱۲۹
مالزی	۲۷	۵۸	۲۰	کامرون	۱۱۵	۱۳۶	۱۶۴
عربستان سعودی	۷۱	۵۹	۱۶	جیبوتی	-	۱۴۰	۱۵۳
آلبانی	۴۶	۶۲	۸۶	سوریه	۱۰۵	۱۴۱	۱۳۷
اوگاندا	۷۸	۶۳	۱۱۱	مولداوی	-	۱۴۳	۶۹
گامبیا	-	۶۶	۱۳۰	گینه	۱۱۶	۱۴۴	۱۷۱
قرقیزستان	-	۷۴	۶۸	ازبکستان	۶۰	۱۴۸	۱۳۸
ترکیه	۷۳	۷۵	۵۹	توگو	۱۰۰	۱۵۴	۱۶۳

کشورهای منطقه	فضای توسعه تجارت بین‌المللی*	آزادی اقتصادی**	فضای کسب و کار***	کشورهای منطقه	فضای توسعه تجارت بین‌المللی	آزادی اقتصادی	فضای کسب و کار
قزاقستان	-	۸۳	۷۰	گویان	-	۱۵۵	۱۰۵
بورکینافاسو	۱۰۹	۸۵	۱۴۸	سیرالئون	-	۱۵۸	۱۵۶
لبنان	۸۳	۹۵	۹۹	بنگلادش	۱۰۲	۱۶۰	۱۱۰
مصر	۹۷	۹۷	۱۱۴	چاد	۱۰۵	۱۶۱	۱۷۵
تونس	۷۲	۹۸	۷۳	گینه بیسائو	۱۲۲	۱۶۵	۱۷۹
آذربایجان	۵۰	۹۹	۳۳	ایران	۹۳	۱۶۸	۱۴۲
مراکش	۹۵	۱۰۱	۱۲۸	ترکمنستان	-	۱۶۹	-
پاکستان	۱۰۳	۱۰۲	۷۷	جم‌الهدی عربی لیبی	-	۱۷۱	-
یمن	۱۱۷	۱۰۳	۹۸	کومور	-	۱۷۲	۱۵۵
الجزایر	۸۳	۱۰۷	۱۳۲	افغانستان	۵۳	-	۱۶۲
سنگال	۹۱	۱۱۰	۱۴۹	عراق	-	-	۱۵۲
موزامبیک	۹۹	۱۱۳	۱۴۱	سودان	۱۲۳	-	۱۴۷
مالی	-	۱۱۴	۱۶۶	برونئی	-	-	۸۸
بنین	۱۱۰	۱۱۵	۱۶۹	سومالی	-	-	-
نیجریه	۱۲۱	۱۱۷	۱۱۸	آخرین رتبه در سطح کل کشورها	۱۲۳	۱۷۹	۱۸۱
گابن	-	۱۱۸	۱۵۱				

ماخذ: \* آنکناد (۲۰۰۷)، \*\* بانک جهانی (۲۰۰۹) و \*\*\* هریتج (۲۰۰۸)

#### ۴-۴. محیط اقتصاد کلان

مساعده بودن محیط اقتصاد کلان به عنوان یکی از پیش شرط‌های یکپارچگی اقتصادی به معنای وجود فضای باز و با ثبات اقتصادی برای توسعه همکاری‌های تجاری سازنده و مؤثر است. محیط اقتصاد کلان منبعث از یک سری سیاست‌های اقتصادی مؤثر بر جریان همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای است که این سیاست‌ها شامل سیاست پولی، مالی، ارزی و بازرگانی است. از این رو، محیط اقتصاد کلان، به میزان عملکرد اقتصادی این سیاست‌ها باز می‌گردد. به عنوان مثال همانطوری که می‌دانیم سیاست پولی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر نرخ تورم در یک کشور باشد. در واقع هر چه سطح تورم در کشورهای طرف تجاری پایین‌تر باشد فضای محیطی برای توسعه تجارت و جذب جریان سرمایه‌گذاری بیشتر امکان پذیرتر است. از این رو عملکرد سیاست‌های اقتصاد کلان کشورها را می‌توان از منظر عملکرد

شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی ملاحظه کرد. به عبارت دیگر با تجزیه و تحلیل متغیرهای کلان اقتصادی طرف‌های تجاری می‌توان کل محیط اقتصادی کلان کشورها را ترسیم نمود. از آنجایی که هدف از معرفی متغیرها نشان دادن محیط اقتصاد کلان کشورها و ارزیابی فضای تعامل مناسب اقتصادی و بازرگانی فی‌مابین کشورها می‌باشد، از این‌رو، متغیرهای پیشنهادی بایستی عملکرد سیاست‌های کلان اقتصادی کشورها را به خوبی منعکس کند. اما به علت اینکه تأثیر هر یک از سیاست‌ها ناشی از تمامی متغیرهای اقتصادی با درجات گوناگون است، لذا انتخاب تنها یک متغیر برای نمایش فضای محیطی کلان اقتصادی کشورها معیار و راهنمای تعیین کننده نخواهد بود بنابراین در این پژوهش جهت نشان دادن شرایط محیطی اقتصاد کلان کشورها از متغیرهای زیر استفاده شده است:

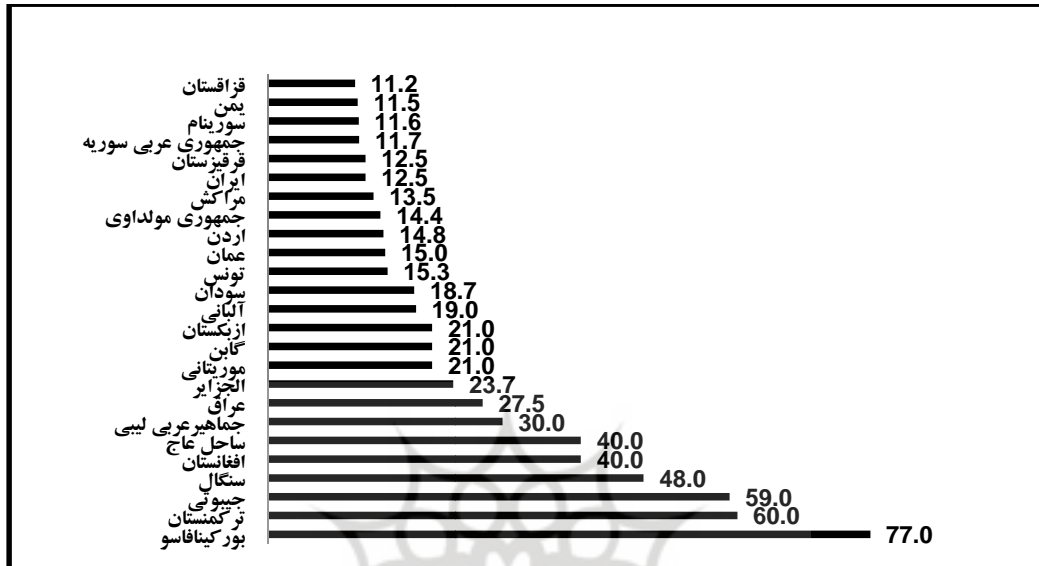
- بدهی خارجی: درصدی از تولید ناخالص داخلی [۲۹]

- نرخ بیکاری [۳۰]

قادر به بهره‌برداری مناسب از این منابع نمی‌باشند. بر اساس نمودار (۱)، تعداد زیادی از کشورهای عضو سکا دارای نرخ بیکاری دو رقمی می‌باشند [۳۲]. متوسط نرخ بیکاری در میان ۴۳ کشور مور بررسی حدود ۱۷ درصد می‌باشد. از این میان، تعداد ۲۵ کشور دارای نرخ بیکاری بالای ۱۰ درصد می‌باشند که در نمودار (۱)، به وضوح نشان داده شده است.

- نرخ تورم [۳۱]

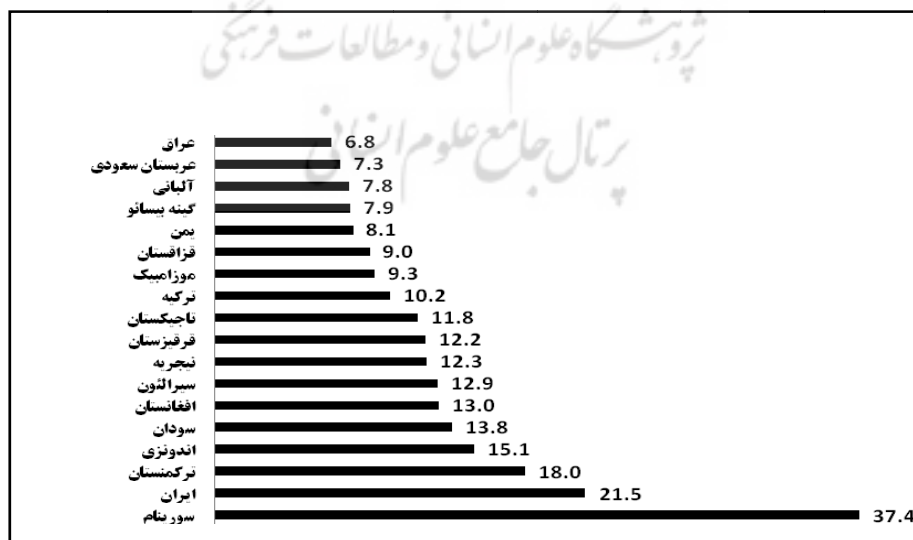
از ویژگی‌های کشورهای عضو سکا نرخ بالای بیکاری است. دلیل عمده نرخ بالای بیکاری در این جوامع، عدم استفاده کامل و صحیح از عوامل تولید بویژه نیروی کار است. این کشورها علیرغم دستیابی به منابع نیروی انسانی غنی و ارزان متأسفانه



### نمودار ۱- فهرست کشورهای عضو سکا با نرخ بیکاری دو رقمی

می‌باشد که نرخ مذکور برای تعداد ۱۸ کشور بیشتر از نرخ تورم متوسط کشورهای اسلامی می‌باشد.

یکی دیگر از فضای نامناسب اقتصادی کشورهای اسلامی به بالا بودن نرخ تورم برخی از کشورها ارتباط دارد. براساس نمودار (۲)، متوسط نرخ تورم در میان کشورهای اسلامی ۶/۵ درصد



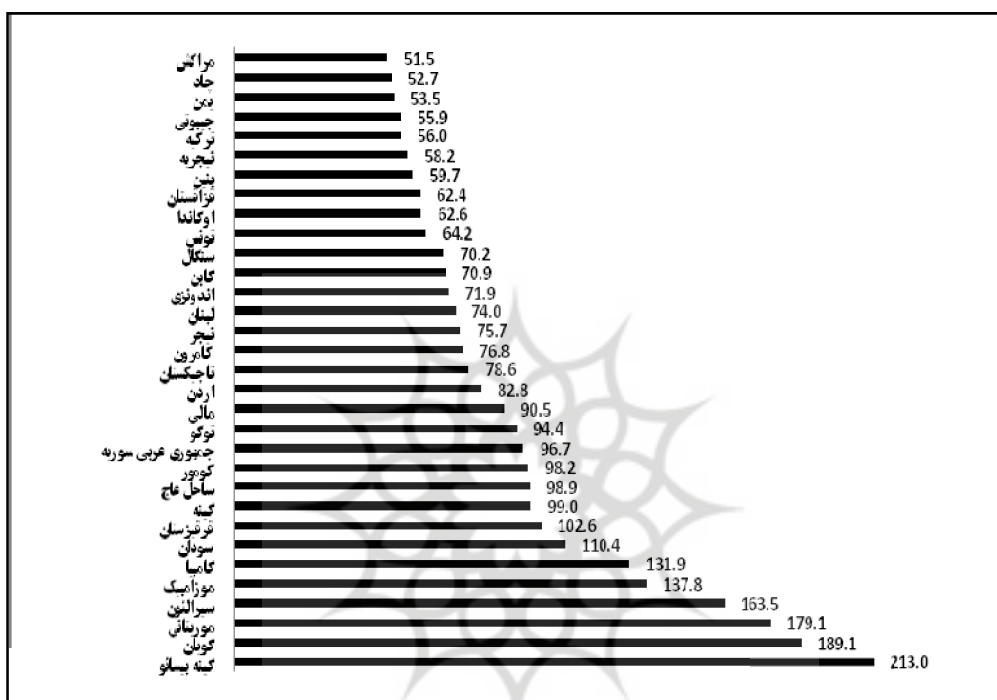
### نمودار ۲- فهرست کشورهای عضو سکا با نرخ تورم دو رقمی



سودآور برای سرمایه‌گذاری هستند و هر دو گروه نیز برای مواضع خود منطقی و استدلال‌هایی را ارائه می‌دهند. این اختلاف مواضع اگر فرآیند هم‌گرایی را مانع نشود آن را تسهیل هم نمی‌نماید.

نمودار (۳)، سهم بدهی خارجی کشورهای عضو سکا را در تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد [۳۳]. براساس این نمودار، متوسط سهم بدهی کشورها از تولید ناخالص داخلی حدود ۷۶ درصد بوده است که شاخص مذکور برای تعداد ۱۷ کشور بیش از متوسط کشورهای عضو بوده است.

همچنین بسیاری از این کشورها با مشکل بدهی خارجی مواجه می‌باشند و پرداخت اصل و فرع این بدهی‌ها بارسنگینی را به دوش آن‌ها گذاشته و اثرات نامطلوبی را در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مزبور دارد. تجربه نشان داده است که احتیاجات و منافع کشورهای ثروتمند و فقیر و انتظاراتی که این دو از همکاری و هم‌گرایی دارند با یکدیگر یکسان نیست، گروهی از کشورهای اسلامی به دنبال دریافت کمک از کشورهای ثروتمندتر و گروه دیگر به دنبال تأمین یک جو



### نمودار ۳ - فهرست کشورهای عضو سکا با بدهی خارجی بالا (سهم از تولید ناخالص داخلی)

برخوردار نیستند، لذا یکی از منابع درآمدی دولت‌ها در این قبیل کشورها، درآمد حاصل از عوارض گمرکی می‌باشد. این کشورها با توسل جستن به دلایلی از قبیل حمایت از تولیدات داخلی عوارض گمرکی بالایی را بر کالاهای وارداتی خود وضع می‌نمایند که این امر مانع گسترش تجارت این کشورها بخصوص با کشورهای اسلامی می‌شود.

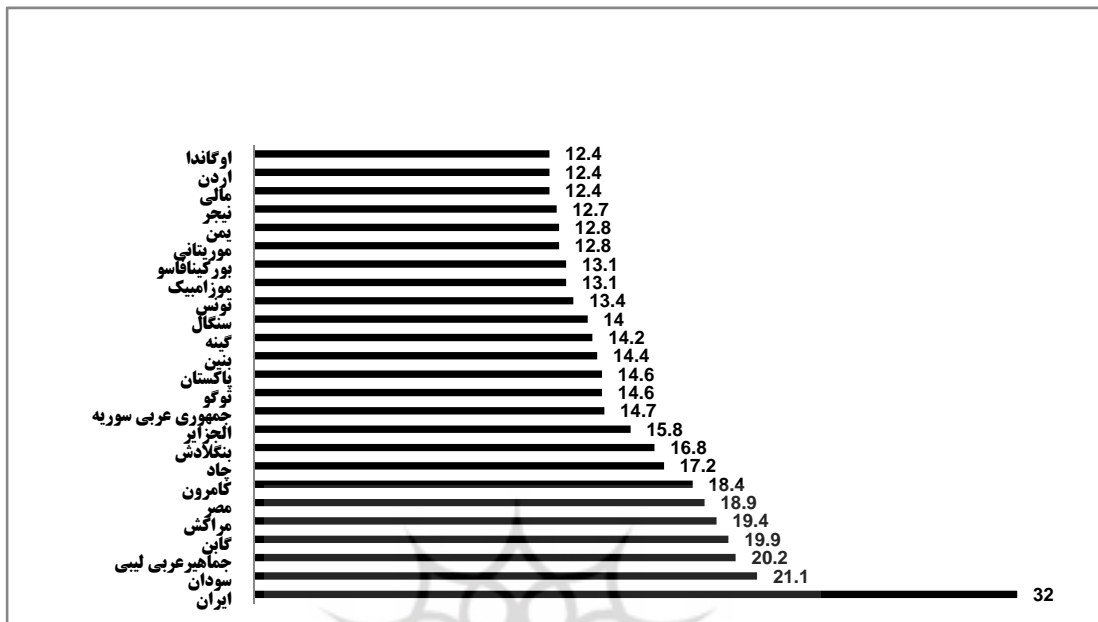
نمودار (۴)، نتایج حاصل از برآورد متوسط نرخ تعرفه اسمی کشورهای عضو سکا نشان می‌دهد که نرخ مذکور بالغ بر ۱۲/۲ درصد می‌باشد که از این میان برای تعداد ۲۵ کشور بیش از متوسط کشورهای اسلامی می‌باشد [۳۵]. یکپارچگی اقتصادی در

وجود قوانین و مقررات محدودکننده تجارت از دیگر عواملی است که مانع گسترش تجارت بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌گردد. یکی از این قوانین محدودکننده، بالا بودن سطح تعرفه‌های گمرکی در اغلب کشورهای اسلامی می‌باشد.

نتایج یکی از بررسی‌ها [۳۴] با به‌کارگیری مدل‌های اقتصادسنجی نشان داده است که موانع تعرفه‌ای کشورهای عضو سازمان یکی از عوامل تعیین‌کننده شدت جریان تجاری میان کشورهای عضو OIC است. از آنجایی که کشورهای غیرنفتی عضو سازمان کنفرانس اسلامی از درآمد خارجی قابل ملاحظه‌ای

ریاضت‌های اقتصادی را طلب می‌نماید. به علاوه کشورهای اسلامی هر یک دارای تعهدات دوجانبه و چندجانبه با کشورهای غیراسلامی هستند که تلفیق آن تعهدات با تعهداتی که در قالب تعاملات منطقه‌ای به عهده می‌گیرند کار ساده‌ای نیست.

قالب موافقت‌نامه‌های تجاری دارای تبعات متعددی برای قوانین و مقررات داخلی کشورها و قبول تعهدات مربوط به کاهش تعرفه و آزادسازی‌های تجاری است. شک نیست که این آزادسازی‌ها خود در کوتاه مدت اثرات نامطلوبی را بر اقتصاد کشورها دارد که



#### نمودار ۴- فهرست کشورهای عضو سکا با متوسط نرخ تعرفه اسمی

راستای تعاملات بیشتر و ادغام عمیق‌تر نظیر عضویت در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای ضعیف باشد آنگاه این کشورها توان اداره فرآیند ایجاد آن را نخواهند داشت. اگرچه ایجاد یکپارچگی اقتصادی فرصت‌هایی را برای برخی از کشورهای اسلامی جهت دستیابی به منافع ادغام عمیق‌تر یکپارچگی فراهم می‌کند ولی به دلیل متفاوت بودن فضای یکپارچگی اقتصادی کشورها این منافع برای برخی از کشورهای عضو سازمان دست نیافتی است و در این میان برخی از کشورها بازنده و برخی دیگر برنده خواهند بود

از سویی دیگر شرایط محیطی حاکم بر اقتصاد، سیاست و وضعیت حقوقی کشورها و حتی شرایط اجتماعی نیز نقش مؤثری در ایجاد یکپارچگی اقتصادی کشورها دارد که از حوصله این مقاله خارج است. آشکار است که ایجاد و ارتقای یکپارچگی اقتصادی فی‌مابین کشورهای عضو سکا اساساً مقوله‌ای است که از یک طرف نیازمند فضای تعاملات مناسب سیاسی و از طرف دیگر قبول تعهدات و الزامات خاص مربوط به آن است. تعاملات مناسب سیاسی را می‌توان فرآیندی دانست که بوسیله

همانطوری که مشاهده می‌شود بسیاری از کشورهای عضو سکا از فضای اقتصادی جهت هرگونه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی از شرایط مناسبی برخوردار نمی‌باشند. این در حالی است که وجود فضای یکپارچگی اقتصادی مناسب میان کشورها در واقع بیان تطبیق ساختاری و انعطاف‌پذیری اقتصادی کشورها است. متغیرهای فضای اقتصاد کلان کشورها بیان‌کننده میزان بی‌ثباتی اقتصادی و آسیب‌پذیری اقتصادی کشورهای مورد مطالعه می‌باشد نتایج نشان می‌دهد که بیش از نیمی از کشورهای عضو سازمان از فضای اقتصادی مناسبی برخوردار نمی‌باشند. به عبارت دیگر بسیاری از کشورهای عضو تا حدودی از ثبات اقتصادی برخوردار نیستند.

به نظر می‌رسد فراهم شدن فضای یکپارچگی اقتصادی مناسب در میان تمام کشورهای عضو سازمان نیازمند مدیریت اقتصادی و سیاست‌گذاری کارآمد از طرف کشورهای عضو است. مضافاً اینکه چنانچه ساختارهای اداری، نهادی و سازمانی هر یک از کشورهای عضو برای اجرای سیاست‌های مناسب اقتصادی در

تحقق یکپارچگی اقتصادی ناشی عدم از برخورداری از اقتصاد متنوع، تفاوت در توسعه یافتگی، پراکندگی جغرافیایی و ضعف در زیرساختاری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است. در ادامه به تفصیل هر یک از موارد مذکور پرداخته می‌شود.

#### ۱-۵. عدم برخورداری از تنوع صادراتی

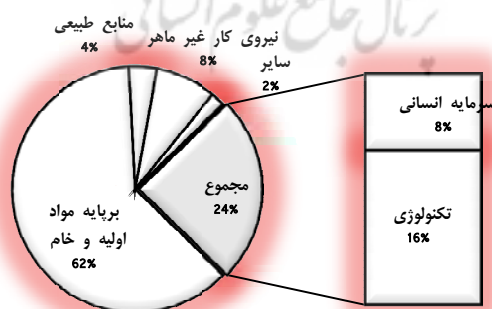
معمولاً تأکید می‌شود کشورهایی که دارای پایه صادراتی متنوعی هستند برای ایجاد تعامل موفقیت‌آمیز اقتصادی و بازرگانی فیما بین، کاندیدای مناسبی می‌باشند. دو دسته دلیل برای آن وجود دارد: نخست، کشورهایی که صادرات متنوع‌تری دارند، به احتمال زیاد دامنه وسیع‌تری از محصولات را تولید می‌نمایند که می‌توانند آن را با شرکای منطقه‌ای خود مبادله کنند. همانطور که یتس [۳۷] (۱۹۹۸) بیان می‌دارد چنانچه تعداد محدودی از چنین کالاهایی وجود داشته باشد، اعضای یک منطقه ممکن است مجبور باشند به شدت برای واردات کالاها به کشورهای غیر عضو متکی شوند و این امر، تعهدپذیری آنان را نسبت به سایر کشورهای منطقه‌ای کاهش خواهد داد. ثانیاً ممکن است کشورها نسبت به عدم ثبات صادرات آسیب‌پذیری کمتری نشان دهند و در نتیجه قادر به اجرای تعهدات خود در قالب همکاری منطقه‌ای باشند.

براساس نتایج جدول (۳)، کشورهای اسلامی به‌طور متوسط در تعداد ۲۸۳ قلم کالا دارای مزیت نسبی آشکار شده می‌باشند در حالیکه این رقم برحسب متوسط جهانی ۳۸۷ قلم کالا می‌باشد. در میان کشورهای مورد بررسی برای تعداد ۳۲ کشور شاخص مزیت نسبی آشکار شده کمتر از متوسط جهانی می‌باشد.

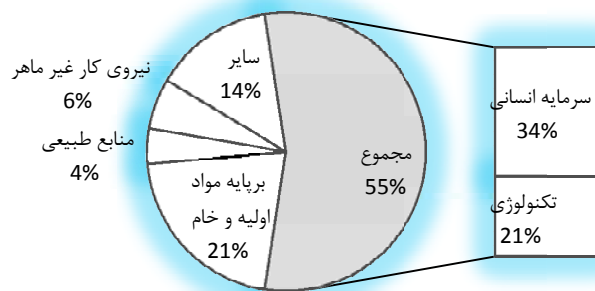
آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و علاقمند می‌شوند که تعهدات، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را جهت توسعه تعاملات مناسب اقتصادی و بازرگان به سمت نهادها و تشکل‌هایی سوق دهند که نهادهایش دارای اختیارات قانونی در ورای کشورهای خود باشند. لذا می‌توان گفت برای رسیدن به فضای یکپارچگی اقتصادی کشورهای اسلامی حتی‌الامکان از عوامل اختلاف‌زا چون احساسات افراطی ناسیونالیستی، گرایش‌های سیاسی و پایبندی صرف به منافع ملی کاسته شده و با گسترش همکاری‌های مختلف فنی، تکنیکی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و سیاسی زمینه ثبات و گرایش به سوی اتحاد میان کشورهای یک منطقه فراهم گردد. از این رو به نظر می‌رسد، نفوذ قدرت‌های خارجی در بین برخی از کشورهای مذکور، تفاوت نظام‌ها و ساختار سیاسی این دسته از کشورها و تشدید و تداوم رقابت‌ها و اختلافات میان برخی از این کشورها، همسویی آن‌ها را در زمینه فراهم آوردن مقدمات تعامل مناسب اقتصادی و بازرگانی که همانا مشارکت فعال در همکاری‌های منطقه‌ای است مشکل نماید. ضمن اینکه ناپایداری سیاست‌ها و دگرگونی خطوط کلی سیاسی برخی حکومت‌های اسلامی در نتیجه فشار داخلی نیز از جمله مواردی است که موجب تاخیر کشورها در الحاق آن‌ها به موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای پیش گفته شده است [۳۶].

#### ۵. بررسی امکان یکپارچگی اقتصادی فیما بین کشورهای اسلامی

یکی دیگر از موانع و مشکلات کشورهای عضو سکا در



نمودار ۵ - ساختار صادرات کشورهای عضو سکا



## نمودار ۶- ساختار واردات کشورهای عضو سکا

وجود دارد، ولی روش‌های تولید مناسب، مهارت‌های ضروری، بازارهای کامل و عوامل نهادی و اقتصادی برای استفاده مؤثر و عقلایی از این منابع برای ارتقای شرایط اقتصادی و رسیدن به رشد و پیشرفت‌های تجاری و اقتصادی محدود است. در این خصوص می‌توان دلایل زیر را ارائه کرد:

اولاً کشورهای اسلامی جزء کشورهای در حال توسعه بوده و به علاوه دارای درجه توسعه‌یافتگی یکسان نیستند. کشورهای که از سطح سواد، امید به زندگی و قدرت خرید پایه بالاتری برخوردارند، جزء کشورهایی با سطح توسعه انسانی بالا طبقه‌بندی می‌شوند. (ارزش عددی شاخص توسعه انسانی کشورهای که بیش از ۰/۸ است، جزء گروه کشورهای دارای سطح توسعه انسانی بالا هستند) از میان ۵۷ کشورهای عضو سکا، تنها پنج کشور در این سطح از توسعه انسانی قرار دارند که عبارتند از: برونئی دارالسلام، بحرین، کویت، امارات متحده عربی و قطر. کشورهای فوق نیز با ناکارآمدی‌ها و نقصان‌هایی مواجه هستند و بیشتر، وفور ثروت و منابع طبیعی خدادادی است که قدرت خرید آن‌ها را ارتقا داده است. مطابق طبقه‌بندی گزارش توسعه انسانی، کشورهایی که ارزش رقم شاخص توسعه انسانی آن‌ها کمتر از ۰/۵ است، در گروه سطح توسعه انسانی پایین قرار دارند. از کشورهای اسلامی، ۲۰ کشور در این گروه قرار می‌گیرند؛ این در حالی است که اطلاعات آماری پنج کشور «افغانستان، بوسنی و هرزه گوین، عراق، فلسطین و سومالی» در گزارش مذکور ارائه نشده است. قدر مسلم اغلب این ۲۵ کشور به سبب فقر اساسی در آموزش، بهداشت و درآمد، اساساً از بی‌ثباتی‌های بنیادین

همانطوری که در نمودارهای (۴) و (۶) نشان داده شده است بخش عمده‌ای از صادرات کشورهای اسلامی را مواد خام و اولیه تشکیل می‌دهد. در حالیکه واردات آن‌ها را بیشتر کالاهای تکنولوژی‌بر و سرمایه انسانی‌بر شامل می‌گردد. به این ترتیب بیشتر کشورهای اسلامی تولیدکننده مواد خام و اولیه هستند و واردکننده محصولات صنعتی می‌باشند و به همین جهت شرکای تجاری عمده آن‌ها و قسمت بزرگی از تجارت آنان با کشورهای صنعتی است و در نتیجه درجه تجارت درون گروهی کشورهای اسلامی علی‌رغم کوشش‌های زیاد در سال‌های اخیر بالا نمی‌باشد. براساس نمودارهای پیشگفته، ۶۲ درصد از کل صادرات کشورهای اسلامی را مواد خام و اولیه تشکیل داده است. در عین حال ۵۵ درصد از کل واردات را کالاهای تکنولوژی‌بر و سرمایه انسانی‌بر می‌باشد.

به نظر می‌رسد کشورهای اسلامی با مشکل دوگانه و متمایزی رو به رو هستند؛ آن‌ها فاقد مهارت‌ها و تخصص‌های ضروری برای رشد و پیشرفت تجارت درون گروهی کالاهای تکنولوژی‌بر و سرمایه انسانی‌بر هستند. تمرکز سرمایه انسانی برای حل این مشکلات از طریق ایجاد مهارت‌های لازم در انسان‌ها به مثابه منابع تولیدی و ایجاد مشاغل پردرآمد برای آنها است. نیاز برای سرمایه‌گذاری در منابع انسانی در این کشورها به مراتب بیشتر از سرمایه‌های فیزیکی است. علی‌رغم واردات و یا ایجاد سرمایه‌های فیزیکی، هنوز این کشورها قادر به تسریع رشد تجارت درون گروهی خود نیستند؛ زیرا هنوز منابع انسانی در آن‌ها توسعه نیافته باقی مانده است. در این کشورها منابع طبیعی

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند و حتی در ترتیبات منطقه‌ای مشارکت فعالی نداشته و اغلب موافقت نامه‌ها از ضمانت اجرایی کافی برخوردار نیستند. طبق گزارش توسعه انسانی، کشورهایی که ارزش عددی شاخص توسعه انسانی آن‌ها در دامنه ۰/۸ و ۰/۵ قرار دارد، در گروه سطح توسعه انسانی میانه قرار دارند. ۲۷ کشور اسلامی، در این گروه جای می‌گیرند که اغلب این ۲۷ کشور، در سطوح پایین این گروه (رتبه‌های بیش از ۱۰۰) قرار دارند. در این میان، ایران با احراز ارزش عددی ۰/۷۱۷، رتبه ۹۸ را به دست آورده است که هم ردیف کشورهای ازبکستان، تونس و اردن است. از ۲۷ کشور اسلامی دارای سطح توسعه انسانی میانه، ۱۴ کشور مالزی، لیبی، عربستان سعودی، سورینام، لبنان، عمان، قزاقستان، مالدیو، ترکیه، ترکمنستان، آذربایجان، اردن، تونس و آلبانی از سطح انسانی بالاتر از رتبه ایران قرار دارند.

از سویی دیگر کشورهای اسلامی از لحاظ علمی و فناوری تولید توسعه نیافته‌اند و بهای اندکی به تحقیقات به‌طور اعم و انتشار تحقیقات علمی به‌طور اخص داده می‌شود. از بیش از ۱۱/۵ میلیون مقاله‌ای که هر سال در سراسر جهان منتشر می‌شود فقط ۲/۵ درصد آن‌ها به کشورهای اسلامی (کشورهای

بیش از یک چهارم جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند) تعلق دارد. از نظر تعداد انتشارات به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت، کویت با ۲۵۴/۵ نشریه در راس، لبنان با ۱۵۲/۶ در مرتبه دوم و اردن با ۱۱۹/۳ نشریه برای هر یک میلیون نفر، در جایگاه سوم قرار دارد و ایران با ۲۸ نشریه در مقابل هر میلیون نفر، در رتبه دهم این جدول جای گرفته است. نابرابری بین کشورها بیانگر آن است که بیشتر مسلمانان از حرکت علمی در جهان دور مانده‌اند. بررسی دقیق‌تر دیگری نشان از فقدان تنوع در موضوعات انتشارات علمی در میان کشورهای اسلامی است [۳۸].

به عنوان مثال دانشمندان کشورهای اسلامی به انتشار مقاله در رشته‌های فناوری که در رشد اقتصادی غرب بسیار مؤثر بوده است، از جمله در زمینه نیمه هادی‌ها، فناوری اطلاعات، ژنتیک و نانوتکنولوژی تمایلی ندارند. این کمبود نمایانگر ناتوانی این کشورها برای تبدیل تحقیقات علمی به فناوری‌های مفید و مؤثر در توسعه اقتصادی است. از آنجا که انگیزه و تصمیمات دانشمندان تحت تأثیر انگیزه، محیط و کیفیت سازمانی است این نقص تا حدودی علت پایین بودن تولیدات علمی در کشورهای اسلامی را روشن می‌کند.

### جدول ۳- وضعیت تنوع صادرات کشورهای عضو سکا

کشور	کالا‌های صادراتی دارای مزیت نسبی آشکار شده (۲۰۰۵-۲۰۰۶)		کشور	کالا‌های صادراتی دارای مزیت نسبی آشکار شده (۲۰۰۵-۲۰۰۶)		کشور	کالا‌های صادراتی دارای مزیت نسبی آشکار شده (۲۰۰۵-۲۰۰۶)	
	رتبه	تعداد		رتبه	تعداد		رتبه	تعداد
ترکیه	۱	۱۱۴۵	ازبکستان	۱۸	۲۳۱	عراق	۳۵	۶۰
اندونزی	۲	۱۰۲۲	اوگاندا	۱۹	۲۲۷	جمهیر عربی لیبی	۳۶	۶۰
مالزی	۳	۷۱۹	ساحل عاج	۲۰	۱۹۸	سومالی	۳۷	۵۷
امارات متحده عربی	۴	۷۱۶	آذربایجان	۲۱	۱۵۳	سودان	۳۸	۳۷
مصر	۵	۷۰۴	سیرالئون	۲۲	۱۳۷	جمهوری مولداوی	۳۹	۳۶
ایران	۶	۶۹۳	موزامبیک	۲۳	۱۳۴	گامبیا	۴۰	۲۷
پاکستان	۷	۶۵۵	گویان	۲۴	۱۳۳	گینه بیسائو	۴۱	۲۵
جمهوری عربی سوریه	۸	۶۴۰	قطر	۲۵	۱۳۱	چاد	۴۲	۱۹
مراکش	۹	۵۷۲	جیبوتی	۲۶	۱۲۳	کومور	۴۳	۱۳
اردن	۱۰	۵۷۱	افغانستان	۲۷	۱۱۳	متوسط کشورهای عضو سکا	۲۸۳	
عربستان سعودی	۱۱	۴۹۹	تاجیکستان	۲۸	۱۰۹			
آلبانی	۱۲	۳۴۷	کویت	۲۹	۱۰۸			
سنگال	۱۳	۳۱۶	کامرون	۳۰	۹۷			

کشور	کالاهای صادراتی دارای مزیت نسبی آشکار شده (۲۰۰۵-۲۰۰۶)		کشور	کالاهای صادراتی دارای مزیت نسبی آشکار شده (۲۰۰۵-۲۰۰۶)		کشور
	رتبه	تعداد		رتبه	تعداد	
قرقیزستان	۱۴	۲۸۹	ترکمنستان	۳۱	۹۶	
قزاقستان	۱۵	۲۷۰	بحرین	۳۲	۷۰	
عمان	۱۶	۲۶۷	سورینام	۳۳	۶۴	
یمن	۱۷	۲۵۸	گابن	۳۴	۶۳	
			متوسط جهانی	۳۸۷		

ماخذ: یافته‌های تحقیق

## ۶. پراکندگی جغرافیایی

بعد مسافت و مرزهای جغرافیایی مهم‌ترین و رایج‌ترین عامل در پیدایش یک ترتیبات منطقه‌ای است که زمینه‌های یکپارچگی میان کشورها را صرفاً در کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و دسترسی آسان به بازار کشورها نشان می‌دهند. سازمان کنفرانس اسلامی با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان یکی از سازمان‌های بین‌المللی کنونی جهان به شمار می‌رود. ۵۷ عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) در چهار قاره جهان پراکنده‌اند. به جز آلبانی که کشوری اروپایی است و ترکیه که خود را کشوری اروپایی به حساب می‌آورد و سورینام که عضو آمریکایی سازمان است، دیگر اعضای سازمان از قاره آسیا یا آفریقا هستند. همچنین، اعضاء بر اساس نوعی تقسیم بندی رسمی، به سه گروه عرب، آفریقایی و آسیایی تعلق دارند. گروه عرب و به ویژه کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس، کانون اصلی قدرت در سازمان به شمار می‌آیند. وسعت کشورهای اسلامی نزدیک به چهار برابر وسعت قاره اقیانوسیه، حدود سه برابر قاره اروپا و مقداری کمتر از کل وسعت قاره آفریقا است. بعد مسافت بین کشورها پراکندگی آنان در چهار قاره جهان، نبود راه‌های مستقیم حمل و نقل و تسهیلات لازم و فقدان اطلاعات تجاری در مورد برخی از این کشورها است که خود باعث عدم وجود تجارت درون گروهی بالا در این کشورها می‌شود. بیشتر حجم تجارت این کشورها به جای اینکه از بنادر کشورهای اسلامی صورت پذیرد به علل مختلف از بنادر کشورهای دیگر انجام می‌شود. مثلاً اگر قرار باشد کالایی از بندر کراچی به داکار در سنگال حمل شود این کار باید از طریق یک بندر فرانسوی

صورت پذیرد. مسلم است که این فرآیند زمان بر بوده و پرهزینه است و قیمت تمام شده صادرات را بالا می‌برد و قدرت رقابت با رقبا را کاهش می‌دهد. برای فائق آمدن به این مشکل باید ناوگان حمل و نقل دریائی کالائی کشورهای اسلامی تقویت شود و در این راستا سازمان اسلامی صاحبان کشتی می‌تواند مؤثر باشد. از بعد راه‌های زمینی و هوایی نیز بایستی خاطر نشان شود که گرچه در آسیا و آفریقا اغلب کشورهای اسلامی در جوار یکدیگر قرار دارند، ولی این امر در مورد همه کشورهای صادق نیست و برای صدور کالا باید از چند کشور عبور نمود. این اقدام مستلزم وجود بزرگ راه‌ها است که مصداق ندارد. در حالیکه در اتحادیه اروپا شبکه‌های متعدد راه‌ها با مسیر طولانی ایجاد شده‌اند که از طریق آن‌ها حمل و نقل کالاها با هزینه به نسبت پایین صورت می‌پذیرد. علی‌رغم اینکه در گذشته راه ابریشم وجود داشت و در آن برای حمل و نقل کالایی استفاده می‌شد امروزه چنین شبکه منسجمی در بین کشورهای اسلامی دیده نمی‌شود. بنابراین احیای این جاده و تبدیل آن به بزرگراه مدرن می‌تواند تاحدی این نقیصه را مرتفع سازد همچنین وجود شرکت‌های حمل و نقل برای کالاهای خاص ضروری است [۳۹].

## ۷. عدم برخورداری از امکانات زیر بنایی مناسب

امروزه یکی از پیشنیازهای مؤثر برای فعالیت‌های تجاری کشورها در قالب یک ترتیبات منطقه‌ای نظیر بازار مشترک، وجود زیر ساخت‌های فناوری و زیر ساخت‌های حمل و نقل، ارتباطات، آموزش می‌باشند. در کشورهایی که بیشترین سهم از تجارت جهانی را در اختیار دارند (کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمریکا)، زیرساخت‌ها به‌نحوی توسعه یافته‌اند که کسب و کار بین‌المللی را

تسهیل می‌نمایند و از سویی دیگر در بهبود بهره‌وری شرکت‌های منطقه مؤثر می‌باشند. [۴۰] همچنین استفاده از زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی به عنوان یک عامل در شاخصه عدالت اقتصادی مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته، چرا که دسترسی به امکانات سخت و نرم افزاری مذکور از یک سو نشان‌دهنده پیشرفت در جامعه (از بعد زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی) و از سوی دیگر دستیابی به فرصت‌های اقتصادی است. در یک بررسی نشان داده شده است که بسیاری از کشورهای اسلامی فاقد حداقل امکانات زیربنایی جهت توسعه تعاملات اقتصادی و بازرگانی فی‌مابین می‌باشد. جدول (۳)، برخورداری کشورهای اسلامی را براساس امکانات زیر بنایی، ارتباطات و توسعه یافتگی بخش مالی نشان می‌دهد. یافته‌های یک تحقیق [۴۱] نشان

می‌دهد اغلب کشورهای مورد مطالعه از حیث امکانات زیر بنایی، ارتباطات و توسعه یافتگی بخش مالی از وضعیت مناسب برخوردار نمی‌باشند. از میان کشورهای مورد مطالعه امارات [۴۲] (۰/۸۹)، بحرین (۰/۸۰)، قطر (۰/۷۸)، اندونزی (۰/۷۸)، مالزی (۰/۷۷)، کویت (۰/۷۶) و ترکیه (۰/۷۶) از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار می‌باشد و سه کشور از جمله عربستان سعودی (۰/۵۹)، اردن (۰/۵۷) و ایران (۰/۵۳) از وضعیت مناسب و تعداد ۱۸ کشور از وضعیت نامناسب و تعداد ۲۸ کشور از وضعیت بسیار نامناسبی برخوردار می‌باشند. به عبارت دیگر ۸۲ درصد از کشورهای عضو سازمان از لحاظ برخورداری از امکانات زیر بنایی، ارتباطات و توسعه یافتگی بخش مالی از شرایط نامناسبی برخوردار می‌باشند.

### جدول ۳- رتبه بندی کشورهای عضو بر مبنای برخورداری از امکانات زیر بنایی و ارتباطی

کشور	سطوح درآمدی	امکانات زیربنایی، ارتباطات و توسعه یافتگی بخش مالی		کشور	سطوح درآمدی	وضعیت
		متوسط امتیازات	وضعیت			
امارات متحده عربی	درآمد بالا	۰/۸۹	بسیار مناسب	سنگال	درآمد پایین	نامناسب
مالزی	درآمد متوسط به بالا	۰/۷۷	بسیار مناسب	موریتانی	درآمد پایین	بسیار نامناسب
بحرین	درآمد بالا	۰/۸۰	بسیار مناسب	جیبوتی	درآمد متوسط به پایین	بسیار نامناسب
ترکیه	درآمد متوسط به پایین	۰/۷۶	بسیار مناسب	ترکمنستان	درآمد متوسط به پایین	نامناسب
اندونزی	درآمد متوسط به پایین	۰/۷۸	بسیار مناسب	نیجریه	درآمد پایین	بسیار نامناسب
قطر	درآمد بالا	۰/۷۸	بسیار مناسب	ازبکستان	درآمد پایین	نامناسب
کویت	درآمد بالا	۰/۷۶	بسیار مناسب	موزامبیک	درآمد پایین	بسیار نامناسب
اردن	درآمد متوسط به پایین	۰/۵۷	مناسب	قرقیزستان	درآمد پایین	نامناسب
برونئی	درآمد بالا	۰/۴۸	نامناسب	توگو	درآمد پایین	بسیار نامناسب
عربستان سعودی	درآمد متوسط به بالا	۰/۵۹	مناسب	بنین	درآمد پایین	بسیار نامناسب
لبنان	درآمد متوسط به بالا	۰/۴۹	نامناسب	بورکینافاسو	درآمد پایین	بسیار نامناسب
ایران	درآمد متوسط به پایین	۰/۵۳	مناسب	ساحل عاج	درآمد پایین	بسیار نامناسب
مراکش	درآمد متوسط به پایین	۰/۳۹	نامناسب	اوگاندا	درآمد پایین	بسیار نامناسب
پاکستان	درآمد پایین	۰/۳۹	نامناسب	چاد	درآمد پایین	بسیار نامناسب
عمان	درآمد متوسط به بالا	۰/۲۸	نامناسب	کومور	درآمد پایین	بسیار نامناسب
آذربایجان	درآمد متوسط به پایین	۰/۲۰	بسیار نامناسب	گامبیا	درآمد پایین	بسیار نامناسب
مصر	درآمد متوسط به پایین	۰/۳۸	نامناسب	کامرون	درآمد پایین	بسیار نامناسب
تونس	درآمد متوسط به پایین	۰/۴۰	نامناسب	سوریه	درآمد متوسط به پایین	نامناسب
قزاقستان	درآمد متوسط به پایین	۰/۲۹	نامناسب	سومالی	درآمد پایین	بسیار نامناسب
گویان	درآمد متوسط به پایین	۰/۲۹	نامناسب	لیبی	درآمد متوسط به بالا	نامناسب
مالدیو	درآمد متوسط به پایین	۰/۲۴	بسیار نامناسب	نیجر	درآمد پایین	بسیار نامناسب
گابن	درآمد متوسط به بالا	۰/۱۳	بسیار نامناسب	گینه بیسائو	درآمد پایین	بسیار نامناسب

کشور	سطوح درآمدی	امکانات زیربنایی، ارتباطات و توسعه یافتگی بخش مالی		کشور	سطوح درآمدی	امکانات زیربنایی، ارتباطات و توسعه یافتگی بخش مالی	
		وضعیت	متوسط امتیازات			وضعیت	متوسط امتیازات
مالی	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۳	گینه	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۱
سورینام	در آمد متوسط به پایین	نامناسب	۰/۲۸	سیرالئون	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۳
آلبانی	در آمد متوسط به پایین	نامناسب	۰/۳۰	یمن	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۹
بنگلادش	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۹	افغانستان	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۱
الجزایر	در آمد متوسط به پایین	نامناسب	۰/۳۲	سودان	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۷
تاجیکستان	در آمد پایین	بسیار نامناسب	۰/۱۶	عراق	در آمد متوسط به پایین	بسیار نامناسب	۰/۲۱

مأخذ: بیگدلی، ضیایی، ۱۳۸۶.

## نتیجه گیری و توصیه سیاستی

پس از گذشت چند دهه از زمان تنظیم اولین مرحله از یکپارچگی اقتصادی در قالب موافقت نامه نظام ترجیحات تجاری تاکنون این موافقت نامه به مرحله اجرا در نیامده است. تلاش اصلی مقاله حاضر جلب نظر به این نکته کلیدی است که، طرح هر گونه ایده ایجاد یکپارچگی اقتصادی نظیر بازار مشترک اسلامی فیما بین کشورهای اسلامی باید مبتنی بر شناخت فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی میان کشورهای اسلامی صورت پذیرد. به این منظور موانع و مشکلات کشورهای اسلامی در ایجاد یکپارچگی اقتصادی حول محور فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی تشریح گردید. عوامل محیطی و شرایط کسب و کار و فضای تجاری کشورها در سطح منطقه ای به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر ایجاد و ارتقای فضای یکپارچگی اقتصادی فیما بین کشورهای اسلامی ارائه گردید. بیان شد که بسیاری از کشورهای عضو سکا از فضای یکپارچگی اقتصادی مناسب و آستانه ای برخوردار نمی باشند. در ادامه با بررسی تنوع صادراتی، تفاوت در توسعه یافتگی، پراکندگی جغرافیایی و ضعف در زیرساختارهای ارتباطی و اطلاعاتی، نشان داده شد که شکاف امکان یکپارچگی اقتصادی فیما بین کشورهای عضو سکا، ریشه در عدم توانایی در تأمین نیازهای یکدیگر دارد. بخش عمده ای از صادرات کشورهای اسلامی را مواد خام و اولیه تشکیل می دهد. در حالی که واردات آن ها را بیشتر کالاهای تکنولوژی پر و سرمایه انسانی بر شامل می گردد. به این ترتیب بیشتر کشورهای اسلامی

تولیدکننده مواد خام و اولیه هستند و واردکننده محصولات صنعتی می باشند و به همین جهت شرکای تجاری عمده آن ها و قسمت بزرگی از تجارت آنان با کشورهای صنعتی است. به نظر می رسد کشورهای اسلامی با مشکل دوگانه و متمایزی رو به رو هستند؛ آن ها فاقد مهارت ها و تخصص های ضروری برای رشد و پیشرفت تجارت درون گروهی هستند. در این میان موضوع قابل توجه ای که در خصوص حضور یکپارچه کشورهای اسلامی در نظام اقتصاد بین المللی و منطقه ای بایستی مورد توجه قرار گیرد نحوه و چگونگی حضور در نظام اقتصاد بین الملل و منطقه می باشد که یک مسیر دو طرفه می باشد از یک طرف کشورها این آمادگی و شرایط را داشته باشند که بتواند در تقسیم کار بین المللی و در صدور توانایی ها مشارکت داشته باشد و هم آمادگی برای بهره گیری از امکانات و توانایی های اقتصاد بین المللی و اقتصاد منطقه ای را هم داشته باشند. نکته ای مورد توجه این پژوهش این است تشکیل هر گونه یکپارچگی اقتصادی میان کشورها الزاماً با عث افزایش رفاه تمام کشورهای عضو نمی شود. بلکه همه نوع امکانی را در بر دارد. وقوع چنین امکانی به فضا و امکان یکپارچگی حاکم بر اعضا بستگی دارد.

از این حیث تنها تعداد محدودی از کشورها صرف نظر از امکان یکپارچگی، از لحاظ فضای یکپارچگی از شرایط مناسبی برخوردارند. اگرچه ایجاد یکپارچگی اقتصادی میان تمام کشورهای عضو سکا فرصت هایی را برای برخی از کشورهای اسلامی فراهم می کند ولی به دلیل سطوح آمادگی ضعیف یکپارچگی بسیاری از کشورها این منافع برای برخی از کشورهای



مقایسه با سرمایه‌های فیزیکی.

ارائه تجربیات کشورهای موفق اسلامی نظیر مالزی و ترکیه در ارتقاء فضای کسب و کار و توسعه و تجارت بین‌المللی.

ایجاد بانک اطلاعات در زمینه رتبه بندی کشورهای اسلامی از حیث فضا و امکان یکپارچگی تجاری.

برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی و طرح موضوع ارتقای فضای یکپارچگی اقتصادی کشورهای اسلامی.

### پی‌نوشت

۱. حسن پور، یوسف، ۱۳۸۵، صص ۱۰-۱۲
۲. صادقی یارندی، سیف اله، حسینی، میترا، ۱۳۸۵، ص ۱۵
3. Standing Committee for Economic and Commercial Cooperation (COMCEC).
4. Islamic Center for Development and Trade (ICDT).
۵. حسن پور، یوسف و صادقی یارندی، سیف اله ۱۳۸۴، ص ۱۶.
6. Preferential Trade Agreement (PTA).
7. Free Trade Agreement (FTA).
8. Customs Union (CU).
9. Common Market.
10. Economic Unions.
11. Wonnacott. and lutz.
12. Summers, L. 1991.
13. Natural Trading Partners.
14. Krugman, p 1991.
15. Frankel, J. 1997.
16. Frankel, J., Stein, E. and Wei, S. 1995.
17. Frankel, J. and Wei, SJ. 1997.
۱۸. حسن پور، یوسف، ۱۳۸۵.
19. Linder, S.B 1961.
20. Kravis 1956.
21. Kindleberger, Charles 1953.
۲۲. شامل بخش کالا البته به جز نفت خام، گاز طبیعی و میعانات گازی می‌باشد.
۲۳. جهت اندازه‌گیری پتانسیل تجاری درون گروهی از شاخص پیشنهادی آنکتاد بهره برده شده است. برای اطلاعات بیشتر

عضو سازمان دست نیافتی است و در این میان برخی از کشورها بازنده و برخی دیگر برنده خواهند بود. با توجه به یافته‌های تحقیق دو موضوع قابل تأمل است اولاً ضمن پذیرفتن اصل تحقق یکپارچگی اقتصادی، ایجاد آن گام به گام و تدریجی خواهد بود، نقطه شروع و گام نخستین را می‌توان مشارکت فعال کشورها در طرح‌های همکاری اقتصادی، هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی، همکاری‌های پولی و مالی و مبادلات نیروی انسانی در قالب موافقت‌نامه‌های همکاری دوجانبه پیدا نمود. دوماً به دلیل عدم آمادگی بسیاری از کشورهای عضو در تشکیل یکپارچگی اقتصادی که در برگیرنده تمام اعضا باشد دست نیافتنی است. ثانیاً برای تحقق راهبرد ایجاد یکپارچگی عمیق‌تر که می‌تواند یکی از اصلی‌ترین راهبردهای توسعه همه جانبه یکپارچگی جهان اسلام برای تعامل فعال و مؤثر با اقتصاد جهانی به شمار آید یک تلاش جمعی متشکل از سازمان کنفرانس اسلامی و هر یک از کشورهای امارات متحده، ترکیه، مالزی، اندونزی، اردن، لبنان، عربستان ایران در جهت ایجاد منطقه تجارت آزاد و یا اتحادیه گمرکی را می‌طلبید. در حقیقت ترتیبات نهادی اجرایی این فرایند به تصمیمات هر یک از کشورهای مذکور و نهادها و دستگاه‌های وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی وابسته است. در این میان شکل‌گیری یک «عزم سیاسی دولت‌های این کشورها از الزامات اولیه، اساسی، مؤثر و پیش برنده می‌باشد. ولی روند رو به جلو یکپارچگی و همچنین کارآمدی یکپارچگی اقتصادی مستلزم فراهم شدن فضای یکپارچگی اقتصادی بسیاری از کشورهای اسلامی می‌باشد. کشورهای مذکور به منظور ایجاد فضای یکپارچگی اقتصادی مناسب نیازمند به اعمال اصلاحات اقتصادی و تقویت زیرساختارهای زیر بنایی، ارتباطی و توسعه مالی می‌باشند که مورد تأکید این پژوهش است. به این ترتیب مسیر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری سازمان کنفرانس اسلامی جهت عملی نمودن مراحل یکپارچگی اقتصادی فی‌مابین کشورهای اسلامی در درجه اول فراهم آوردن زمینه‌های ارتقای فضا و امکان یکپارچگی اقتصادی در چارچوب وظایف سازمان است از جمله: توجه به سرمایه‌گذاری در منابع انسانی در این کشورها در

می‌باشد که متوسط امتیازات هر یک از کشورها را از حیث برخورداری از سطح توسعه یافتگی در بخش زیر بنایی نشان می‌دهد که از طریق روش مورس به دست آمده است. جهت اطلاعات بیشتر رجوع شود به ضیایی بیگدلی، محمدتقی ۱۳۸۷.

## منابع

حسن پور، یوسف. بررسی عوامل مؤثر بر شدت جریان تجاری کشورهای اسلامی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.

گزارش، شناسایی پتانسیل‌های ارتقاء روابط تجاری ایران با کشورهای اسلامی، موسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی، ص ۲۵-۱۰، ۱۳۸۷.

صادقی یارندی، سیف‌اله، روشی جهت تعیین فهرست کالاهای درخواستی و پیشنهادی ایران برای امتیازات تعرفه‌ای در قالب موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری سازمان کنفرانس اسلامی: مطالعه موردی ایران و ترکیه، پژوهشنامه بازرگانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴.

صادقی یارندی، سیف‌اله، حسینی، میترا، بازار مشترک اسلامی، فرصت‌ها و چالش‌ها، همایش بین‌المللی نقش اصفهان در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، سمینار راهکارهای ایجاد بازار مشترک اسلامی، مجموعه مقالات، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۵ دانشکده علوم اداری و اقتصاد اصفهان، ۱۳۸۵.

بیگدلی، ضیایی، امکان سنجی شناسایی هسته اولیه در راستای ایجاد بازار مشترک اسلامی با استفاده از مدل شبیه‌سازی تجارت جهانی، دبیرخانه ماده ۱۰۲ وزارت علوم و موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، صص ۶۰-۶۸، ۱۳۸۶.

Frankel, J.: Regional Trading Blocs in the World Economic System, *Washington DC: Institute for International Economics*, 1997.

Frankel, J. and Wei, S.J.: "Regionalization of World Trade and Currencies: Economic and Politics", *The Regionalization of the World Economy*, University of Chicago Press: Chicago, 1997.

Frankel, J., Stein, E. and Wei, S.: "Trading Blocs

رجوع شود به: حسن پور، یوسف (۱۳۸۷). در ضمن اطلاعات مربوط به صادرات و واردات کشورها از بانک نرم افزاری مرکز تجارت بین‌الملل (ITC) تحت عنوان PC/TAS 2008 جمع‌آوری و بعد از پردازش بر حسب دوره زمانی مورد مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است.

24. UNCTAD 2007.

25. Trade and Development Index

۲۶. در گزارش آنکتاد، آمریکا با کسب نمره ۷۴۳ جایگاه نخست جهان را به خود اختصاص داده است و پس از آن به ترتیب کشورهای آلمان، دانمارک، انگلیس، سنگاپور، ژاپن، سوئد، فرانسه، نروژ و کانادا رتبه‌های دوم تا دهم را به خود اختصاص داده‌اند.

27. Worldbank 2009.

28. Heritage 2009.

29. External debt (% of GDP).

30. Rate of Unemployment.

31. Rate of Inflation.

۳۲. آمار مربوط به نرخ بیکاری برگرفته از بانک نرم‌افزاری اطلاعات اقتصادی و اجتماعی بانک جهانی تحت عنوان WDI 2008 می‌باشد.

۳۳. آمار مذکور برگرفته از بانک نرم‌افزاری اطلاعات اقتصادی و اجتماعی بانک جهانی تحت عنوان WDI 2008 می‌باشد.

۳۴. پیشین، حسن پور ۱۳۸۵.

۳۵. اطلاعات مربوط به متوسط نرخ تعرفه اسمی برگرفته از وب سایت بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ است.

۳۶. پیشین، بیگدلی، ص ۴۵

37. Yeats, A. J 1997.

۳۸. برای اطلاعات بیشتر به وب سایت [www.comstech.org.pk](http://www.comstech.org.pk) مراجعه گردد

39. [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir)

40. [www. Worldbank.org](http://www.Worldbank.org).

۴۱. پیشین، بیگدلی، صص ۸۰-۸۵

۴۲. ارقام مذکور نتیجه حاصل از ترکیب شاخص‌های برخورداری کشورها از امکانات زیر بنایی، ارتباطات و توسعه یافتگی

- Economic Review*, Vol.12, No1, 1997, P.1-28.
- Linder, S.B , An Essays on Trade and Transformation , New York, Wiley, 1961.
- Kravis, Availability and Other Influences on the Commodity Composition of Trade , *Journal of Political Economic* 64, 143-155, 1956.
- UNCTAD, Developing Countries International Trade, 2007.
- World bank , Doing Business 2009 ([www.doingbusiness.org](http://www.doingbusiness.org)) , 2009.
- Heritage , The Index of Economic Freedom 2009, (<http://www.heritage.org/Index/Ranking.aspx>) [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir)
- and the Americas: The Natural, the Unnatural and the Supernatural," *Journal of Development Economics* 47, 61-96, 1995.
- Krugman, P: " Regionalism versus Multilateralism: Analytical Notes" in New Dimensions in Regional Integratio, eds. J.de Melo and A.Panagariya, CUP, Cambridge, 1993.
- Panagariya, A.: "The Free Trade Area of the Americas: Good for Latin America?" *World Economy* 19, no.5, September, 485-515, 1996.
- Summers, L.: " Regionalism and the World Trading System:- Policy Implications of Trade and Currency Zones. Wyoming: Federal Reserve Bank of Kansas City, 1991.
- Yeats, A. J." Does Mercosur Trade Performance Raise Concerns About The Effects of Regional Trade Arrangements?" *The World Bank*

